



● جغرافیای آفریقا

● سنگ گرسنگی

● رد پای استعمار

● تشبیه جالب

● تک کشتی در دوران اشغال و پس از استقلال

● عامل جغرافیائی

● اساسی ترین اقدام

منهای عامل خشکسالی - عوامل دیگری نیز دیده میشود که در این مقاله به آنها اشاره می گردد:

### جغرافیای آفریقا :

آفریقا که از لحاظ وسعت خاک دومین قاره جهان به شمار می آید (۱) از لحاظ جمعیت یکی از کم جمعیت ترین قاره های جهان می باشد ، چنانکه از



سالی که گذشت آفریقا با بزرگترین فاجه ای گرسنگی تاریخ روبرو گردید و بیش از صد هাজার نفر در کشورهای: نیجریه ؛ حبشه ، چاد؛ سنگال؛ و لنای علیا ، نیجر ؛ مالی که اکثریت ساکنین آنها را مسلمانان تشکیل می دهند از گرسنگی به هلاکت رسیدند در بررسی عوامل این فاجعه بزرگ انسانی-

(۱) طبق آمار سالهای اخیر جمعیت کل آفریقا ۳۵۰ میلیون نفر می باشد که در مساحتی باندازه ۳۰۳۱۳ کیلومتر مربع در هر کیلومتر مربع ۱۱ نفر زندگی میکند در مقابل آن آسیا با ۱۰۰۷۶ میلیون نفر در خاکی به مساحت ۱۰۸۳۵ در هر کیلومتر ۷ نفر زندگی می کند «شناخت آماری جهان سوم» پیرژاله ص ۳

شده است گرسنگی آفریقا معلول علل اجتماعی و طبیعی خاصی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ردپای استعمار:

استعمار آفریقا بانفع‌پرستی آغاز شد. پرتغالیها نخستین استعمار گرانی بودند که به این سرزمین گام نهادند تا کالاها و منابع طبیعی این سرزمین را به‌نیما بیاورند و در بازارهای اروپا به قیمت کلان بفروش برسانند بدنبال آنان اسپانیولیها؛ فرانسویها، انگلیسیها و بسااخره سایر ملل استعمارگر غربی، به‌عنوان تهیه کالا عازم آن سرزمین گشتند و سوداگری خود را با خرید عاج و ادویه شروع نمودند و بزودی متوجه شدند که پرسودترین کالاها، خود سیاه‌پوستان هستند که می‌توانند آنها را به‌عنوان برده؛ دسایر مستعمرات بفروش برسانند.

به‌این ترتیب سوداگری نسامشروع و شرم‌آور برده‌فروشی آغاز گردید سپس بهره‌کشی و بهره‌برداری از ثروتهای طبیعی و منابع زیر زمینی وارد مرحله جدیدتری گردید.

### انحصار مزارع به کشت محصولات مورد

#### نظر

یکی از عواملی که باعث گردید اقتصاد غذایی آفریقائیان نامتعادل گردد برقراری نظام وسیع مزارع به اصطلاح «تک کشتی» توسط انگلیسیها بود آنان برای تهیه کالاهای مورد احتیاج خود که عبارت از: کائوچو، قهوه، قند، بادام‌زمینی و برخی از ادویه صادراتی بود تمام مزارع و سرزمینهای حاصلخیز

لحاظ منابع طبیعی یکی از غنی‌ترین سرزمینها و از نظر زندگی و رفاه عمومی یکی از فقیرترین و گرسنه‌ترین مناطق دنیا به‌شمار می‌آید.

### سنگ گرسنگی:

چندی پیش معتبرترین مدرک گرسنگی در یکی از قبرهای خارااثری نزدیک رودخانه‌ی نیل در همین سرزمین سیاه کشف گردید که در آن سنگ به خط «هبرو-گلیفی» امپراطور کشور مصر دربارۀ این فاجعه‌ی انسانی در آن عهد باستان اینچنین اشک می‌بارد:

«من از فراز تخت بر این مصیبت اشک می‌ریزم»  
 «در دوران حکومت من رود نیل هفت سال طغیان»  
 «نکرد گندم نایاب شد محصول ناچیزی بومی رمق»  
 «گردید هر نوع خوراکی نایاب گشت همهی»  
 «مردم مبدل به دزدان شدند که به همسایگان»  
 «خسوش دستبرد می‌زنند، مردم می‌خواهند»  
 «بدوند اما آنها قادر به راه رفتن نیستند...»  
 «انبارهای غله باز هستند اما به جای آنکه»  
 «خواربار در آنها ذخیره شده باشد فقط در»  
 «آنجا بادو هوا یافت می‌شود. همه چیز به پایان»  
 «رسیده است...» (۱)

\* \* \*

از آن عهد باستانی تا امروز که در نیمه‌ی آخر قرن بیستم میلادی قرار گرفته‌ایم این قاره سیاه در معرض خطرناکترین مرحله قحطی و گرسنگی قرار گرفته است که گاهی بصورت دوره‌ای و گاهی منطقه‌ای و گاهی بصورت عمومی وقاره‌ای نمایان

تغذیه ناقص و نارسا است (۲) در کشور «اوگاندا» و «کینا» در اثر برنامه های ناقص غذایی که مولود وضع کشاورزی صادراتی است کودکان دچار یک نوع بیماری شوم می گردند که از آثار و علائم آن : توقف رشد ؛ ورم بدن ؛ اسهال ، فساد کبد و گناه از بین رفتن رنگ مو و پوست است این بیماری محصول کمبود ویتامینهای ضروری بدن است . (۳) چنانکه در اثر تک کشتی کائوچور («ساحل طلا») و پسته زمینی در «سنگال» زمینهای آن دو کشور روبه خرابی و فرسودگی نهاده اند (۴)

\* \* \*

با تسلط استعمار بر سرزمینهای آفریقائی رژیم کشاورزی بومی اذ دست رفت و در اثر بهره کشیهای مداوم نیروی زمینهای حاصل خیز روبه فرسایش نهاد و بر اساس کارفران و مزداران پایه های مالی آفریقائیان تضعیف گردید و در اثر کمبود غذایی نیروی جسمی و بدنی ضعیف گردید مردم به تن پروری و تنبلی و بیکاری عادت ورزیدند این وقایع پیش از استقلال ظاهری کشورهای آفریقائی بود اما :

### پس از استقلال :

پس از کنفرانس بان دو ننگ ۱۹۵۵ که با شرکت ۲۷ کشور آسیائی صورت گرفت بیش از سی کشور آفریقائی در بین سال ۱۹۶۰ - ۱۹۶۲ به استقلال خود نائل

آفریقا را به صورت کارخانه و ابزار تولید خواسته های ویژه خود در آوردند و ثروتهای طبیعی آن سرزمین اعم از نباتات ؛ حیوانات ، مواد خوراکی و درختان را فدای هدفها و هوسهای نامشروع خود ساختند و بدین ترتیب مزارع حاصلخیز را اذ دست بومیان گرفتند و آنان را مجبور ساختند که : غذاهای مصرفی خود را با مزدهای اندکی که دریافت می کردند از دیگر کشورها وارد سازند .

«لپتس» یکی از فرماندهان بریتانیا می گوید : «کنگو با سرعت باور نکردنی در حال نابود شدن است زیرا مساکائو چو و عاج را به کاه و سرچیح دادیم . . . . . ژوزه دو کاسترو . . . . . مولف کتاب انسان گرسنه می گوید : «اجبار در اختصاص دادن زمینهای حاصلخیز مصر به کاشتن پنبه صادراتی که مورد علاقه امپراتوری انگلستان بود گرسنگی فلاحان مصری را فراهم ساخت» (۱)

یا اینکه در گامبیا در آفریقای غربی که اقتصاد کشاورزی آن طبق سفارش انگلستان منحصر به پسته «آراکید» و پسته زمینی شده است شرایط غذایی بومیان دچار وضع وخیمی شده است رقم مرگ و میر کودکان ۴۰ درصد افزایش یافته و کرم خوردگیهای دندان و تظاهرات کسرویتامینهای D و A در بزرگسالان نمونه های روشن یک کسر غذایی و

(۱) آفریقای سفید نوشته گو تید

(۲) انسان گرسنه ص ۳۴۹

(۳) مدرک نامبرده ص ۳۵۹

(۴) همان مدرک ۳۵۰

قسمت عمده‌ای از آن در منطقه‌ی گرمسیر قرار گرفته است که همیشه با کمبود آب و هوای گرم و سوزان روبرو است و برخی چمنزارها و جلگه‌های قابل استفاده هم با ناثباتی و نامنظمی باران روبرو است تنها نواحی کوچکی بصورت واحه‌ها؛ در سرزمین آفریقا وجود دارد که همیشه حاصل خیز و قابلیت پرورش گیاهان پر قیمت را دارد که متأسفانه سفیدپوستان و اروپائیان این منطقه را قبلاً برای خود رزرو کرده‌اند و سیاه پوستان را به مناطق نا هموارتری رانده‌اند...

### اساسی ترین اقدام :

در برابر تعدیات و اجحافاتى که شمه‌ای از آن گفته شد مردم آفریقا نسل اندر نسل در گرسنگی و قحطی بسر برده‌اند و با ملاحظه عوامل استعماری و استعماری که از ناحیه‌ی ملل اروپائی به این ملت سیاه پوست وارد می‌گردد تنها چاره‌ای که از طرف ملل ثروتمند و مرفه در باره این قاره گرسنه به عمل آمده است این است که در آنجا تحدید نسل بعمل آید و زاد و ولد به حداقل امکان تقلیل یابد آنان برای کنترل نسل آفریقای سیاه خیلی اشک میریزند در حالیکه همین اروپائیان بشردوست - با توجه به وسعت خاک‌های خود - از اوائل قرن بیستم جمعیت خود را صد برابر کرده‌اند و اینک گناه انحصار جمعیت را به گردن آسیائیه‌ها و آفریقائیه‌ها می‌افکنند در صورتیکه وحشت آنان تنها برای زندگی مرفه خویش می‌باشد که مبادا با افزایش خیل گرسنگان جهان امنیت

آمدند و در مقرر سازمان ملل متحد پرچمهای رنگارنگ ملل تازه به استقلال رسیده به اهتزاز در آمد در صورتیکه با این استقلالهای ظاهری به قطعات کوچکی تبدیل شده بودند و چون فقر و گرسنگی دوران اشغال استعمارگران هنوز دخت، بسر نبسته بود ناچار هر کدام دست نیاز را به صورت مشتری و خریدار کالا، به یکی از استعمارگران قبلی دراز کردند و هر کدام بصورت مشتری پرو پا قرص یکی از استعمارگران قبلی درآمدند در مورد این ملل آفریقائی این حقیقت به مرحله‌ی وقوع پیوست که «استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی مفهوم درستی ندارد».

### تشبیه جالب :

تصویر غم‌انگیز این ملل تازه به استقلال رسیده را یکی از نویسندگان به حالت کوهنوردی تشبیه میکند که در اعماق دره‌ای گرفتار گردیده و کمک و مدد کاری می‌طلبد طناب نجات را بسوی او پرت میکنند کوهنورد گرفتار در قعر دره پیا می‌خیزد و از طناب آویزان میشود از آن لحظه به بعد سرنوشت او دست کسی است که آن بالا طناب را در دست دارد آنکه در تلاش نجات خود است انتهای طناب را در دست دارد در حالیکه در فضا معلق است ناچار باید با ساز طناب‌دار بر قصد تراضیت خاطر او را فراهم سازد و گر نه جز سقوط چاره‌ای ندارد...» (۱)

### عامل طبیعی

غیر از عوامل اجتماعی و سیاسی يك عامل طبیعی هم در گرسنگی و کمبود مواد غذایی آفریقا سهم موثری دارد و آن عامل جغرافیائی سرزمینهای آفریقائی است.

خاطر آنها متزلزل گردد یا صدور مواد خام این کشورها را به غرب محدود سازد. یکی از نویسندگان مطبوعات می گوید: «اروپائیان برآی کنترل جمعیت آفریقا و آسیا خیلی اشک می ریزند ولی نمی توان از يك انسان گرسنه و بیچار انتظار داشت که برای حفظ رفاه و آسایش من و شما از آنها سرگرمی طبیعی و حتی در بسیاری از موارد مذهبیش یعنی تولید



نسل چشم ببوشد چون کاهش جمعیت در زندگی کوتاه او اثر چندانی ندارد!...» (۱) در پایان این مقال به یاد گفتار دانشمندی می افتیم که عمر خود را در شناخت گرسنگی و آثار و عوارض آن سپری ساخته است جائیکه می گوید: «مناطق بزرگ گرسنگیهای بومی در سرزمینهای مستعمراتی قرار دارد...» (۲)

(۱) گزارشگر روزنامه اطلاعات بدالله زندیه اطلاعات ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۳

(۲) ژورنه دوکاستر و نویسنده کتاب انسان گرسنه

## وراثت عادت

یکی از جرائد طبی آمریکا ضمن بیان وراثت صفات زشت، خصوصاً زبانهای اعتماد به مشربخواری، تاریخ يك خانواده را چنین نقل می کند: در سال ۱۸۲۷ زنی که در آلودگی و انحراف شهرت کاملی داشت، درگذشت، در ظرف چندسال شماره فرزندان و نوادگان او به ۸۰۰ نفر رسید که ۷۰۰ نفر آنها در فواصل مختلف، بعلت ارتکاب جرم و اعمال خلاف به دادگاهها جلب شده و به کیفر رسیدند.

از این ۷۰۰ نفر ۴۷ نفر به مرگ محکوم گردیدند، از همین خانواده فاسد ۱۲۷ روسپی به وجود آمد که خود فروشی می کردند. ۳۴۲ نفر افراد تنبل و آواره بار آمدند که دقیقه ای از افراط در شرابخواری کوتاهی نداشتند. البته زبانهای اعمال ننگین این افراد تنها متوجه مردم نبود، بلکه مبلغی نیز دولت را متضرر کردند زیرا دولت در جریان بازداشت و محاکمات افراد این خانواده جمعاً ۹۰۰/۰۰۰ لیره صرف نموده بود.

(مجله کانون سردفتران سال ۱۵ شماره ۳-۲)

